

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

در را بگشائید

ای جمع ملانک ، بشتابید و شتابید	در را بگشائید
مهمان نوی آمده بر صدر نشانید	در را بگشائید
بال و پری بگشوده ازین عالم ادنا	بر عالم اعلا
خوش آمدی گوئید و پذیرائی نمایید	در را بگشائید
افسرده و دلخسته ، وی از درد زمانه	با همچو بهانه
آزاد شده از قفسش ، زود بتازید	در را بگشائید
چون بلبل شوریده ای دور از چمنش بود	هم از وطنش بود
یک لانه از نور رخ یار بسازید	در را بگشائید
پروانه صفت سوخت بسی جان و سر و تن	از دوری میهن
با شمع محبت ، به پرستاری اش آئید	در را بگشائید
ترک همه فرزندان نمود و همه احفاد	روحش شده آزاد

در محضر حق مسند او را بگزارید	در را بگشائید
در بستر هجران وطن ، خفت و جفا دید	درمان نه دوا دید
هم مرهم و هم شربت دیدار بیارید	در را بگشائید
با ناز و نوازش ببریدش بر دلدار	در عالم اسرار
بر هر قدمش برگ گل یأس بپاشید	در را بگشائید
دلها همه ، خونین و کباب و چو غمین شد	با غصه قرین شد
تقدیر چنین بود و زما غم بزدائید	در را بگشائید
او را نبود قدرت در کوفتن دوست	یک بنده نیکوست
مأمور خدا در چه حساب و چه کتابید	در را بگشائید
این روح بهشتی و مقامش به بهشتست	اینگونه نوشتست
بالحن خوش ، آیه دلدار بخوانید	در را بگشائید
سوگند ، شمارا به بزرگی جهانیان	بر عزت مهمان
از « نعمت » محروم ، درودی برسانید	در را بگشائید
ای ایزد یکتا ، که تو ستار و رحیمی	غفار و کریمی
دستور بفرما که ، شتابید و شتابید	در را بگشائید
ای جمع ملائک ، بشتابید و شتابید	در را بگشائید
مهمان نوی آمده بر صدر نشانید	در را بگشائید